

## بررسی تاثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی ( مطالعه در یک سازمان نظامی )

### *The Study influence of religiosity amount on married life satisfaction (a case study in a military organization)*

حمیدرضا حاتمی\*، محمدباقر حبیبی\*\*، علیرضا اکبری\*\*\*

**Introduction:** The purpose of this study is to assess the effects of religiosity on marital satisfaction among the staff of a military unit. Questions were raised in this regard are: what is the relation between religiosity and marital satisfaction? Which dimensions of religiosity have stronger relationship with marital satisfaction?

**Method:** The method of this research is retrospective and correlational. The study population includes employees of a military unit. 370 people were considered as final sample. The sampling method of "classification" was used.

**Results:** Whatever the religiosity increases, life satisfaction would be increased too. That is, religiosity has direct and positive relation with life satisfaction. While studying the influence amount of religiosity different dimensions and forms we noticed that there is a clear relation between each of these dimensions with life satisfaction. Although each of these 4 relative relations is meaningful and positive, however, there is a difference between these different dimensions or forms of religiosity and life satisfaction in terms of relation intensity coefficient.

**Discussion:** The people under the research have stronger religiosity in belief, conclusion and emotional dimensions. Since the satisfaction of guards life is high, these relations enjoy more intensity.

**Key Words:** Life satisfaction, religion and religiosity.

#### چکیده

**مقدمه:** هدف از تحقیق حاضر سنجش تاثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی در گروهی از نظامیان است. در این تحقیق پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت: دینداری چه رابطه‌ای با رضایت از زندگی دارد؟ کدام یک از ابعاد دینداری با رضایت از زندگی رابطه قویتری دارد؟

**روش:** مطالعه حاضر پس‌رویدادی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق شامل گروهی از نظامیان می باشد. 370 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. از روش نمونه‌گیری «طبقه‌ای» استفاده شد.

**نتایج:** هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد. در بررسی میزان اثر ابعاد و اشکال مختلف دینداری بر رضایت از زندگی دریافتیم که میان هر یک از این ابعاد و رضایت از زندگی رابطه مشخصی برقرار است. با وجود آنکه هر چهار رابطه مورد نظر معنی‌دار و مستقیم و مثبت هستند. اما میان ابعاد یا اشکال مختلف دینداری و رضایت از زندگی از جهت ضریب شدت رابطه تفاوت وجود دارد.

**بحث:** افراد مورد تحقیق در سه بعد اعتقادی و احساسی و پیامدی نسبت به سایر ابعاد از دینداری قوی‌تری برخوردارند و از آن جا که رضایت از زندگی نظامیان در سطح بالایی قرار دارد این رابطه‌ها، شدت بیشتری به خود می‌گیرند.

**کلید واژه‌ها:** رضایت از زندگی، دین و دینداری.

#### Abstract

## مقدمه

رضایت زناشویی یکی از عوامل موثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است. در صورتی زندگی زناشویی به رضایت می‌انجامد که واجد آرامش، انسجام و امنیت عاطفی باشد. این ابعاد زندگی زناشویی است که وجود هر چه بهتر و کاملتر آن، رضایت از زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد. احساس وابستگی و انسجام درونی بین اعضا خانواده، احساس آرامش، مقاومت و تحمل پذیری در برابر مشکلات، امنیت عاطفی درون خانواده، اهمیت مسائل خانواده در مقابل مسائل فردی و... از جمله ابعاد مهم زندگی مشترک است.

همسران با داشتن وابستگی بیشتر به هم و داشتن احساس انسجام درونی، احساس رضایت را در خود ایجاد می‌کنند. انسجام گروه را می‌توان به عنوان سطح بالای خانواده مطرح نمود. وقتی اعضای خانواده بتوانند نیازهای همدیگر را در جهت هدف فردی و جمعی خود تامین نمایند، در واقع موجد انسجام خانواده می‌شوند. به عبارتی انسجام گروه به عنوان سطح بالای تحول، درگرو مشارکت، هدفمندی و عملکرد متناسب با تامین تعامل نیازهای اعضای گروه می‌باشد. براین اساس، انسجام خانواده را می‌توان به عنوان مهم‌ترین مولفه پویایی و حفظ آن قلمداد نمود (پورحسین، ۱۳۸۵).

وجود آرامش درون خانواده و همین‌طور بین همسران از دیگر مولفه‌های مهم و تاثیر گذار بر روابط زن و شوهر می‌باشد. با حفظ آرامش حاکم بر این رابطه، شاهد کاهش مشکلات روحی- روانی و در پی آن کاهش نزاع‌ها و مشاجرات بین زوجین خواهیم بود. امنیت عاطفی، مقاومت پذیری در برابر مشکلات از دیگر مولفه‌های مهم زندگی مشترک هستند که هر کدام با تاثیر گذاری بر روابط زن و شوهر مسیر حرکت را برای طرفین ازدواج هموار و رضایت کننده می‌سازد.

تحقیقات اخیر به عوامل مختلفی که بر رضایت زناشویی اثر گذار هستند پرداخته است. هلمز و همکاران (۲۰۱۱) به نقش نگرش زوجین در زندگی زناشویی اشاره دارند، هرمندز (۲۰۱۱) به نقش کیفیت روابط

جنسی و گرلیکس (۲۰۱۱) به کیفیت زمان حضور در زندگی زناشویی و نقش آن در رضایت زناشویی پرداخته است. ملترز و همکارانش (۲۰۱۱) به نقش روابط عاطفی در زندگی زناشویی پرداخته و مدینا (۲۰۰۹) به نقش مسایل شخصیتی و حتی بیماری‌های روانی از جمله اعتیاد به الکل پرداخته‌اند. این قبیل مسائل در کنار عوامل مختلف روان شناختی و جامعه شناختی هر کدام به نحوی می‌تواند فضای ارتباطی خانواده و به تبع آن روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد. اما آنچه در این پژوهش مد نظر است، بررسی نقش عامل دینداری در رضایت زناشویی است. عامل دینداری می‌تواند مستقیم و غیر مستقیم تاثیراتی بر رضایت زناشویی داشته باشد. که در ادامه به آنها می‌پردازیم. ابعاد مذکور در آثار برخی از صاحب‌نظران فلسفه و علوم رفتاری و اجتماعی، با کارکردهای مهم دینی همسویی نزدیکی دارد.

ادی کارکردهای دین را حمایت، هویت بخشی و انسجام بخشی عنوان می‌کند. در این رویکرد دین، عاملی برای کاهش انزوای اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی، زمینه‌ای برای پذیرش هنجارها و افزایش پیوند و انسجام درون خانواده می‌شود. با وجود چنین کارکردی، در جامعه نوعی انسجام اجتماعی پدید می‌آید (ادی، ۱۹۶۱).

در نگاه ادی، یکی از کارکردهای اصلی دین، حمایت و تسلی برای محرومین است. همواره جوامع در توزیع و تخصیص ارزش‌های کمیاب در میان اعضای خود با مسائل جدی مواجه‌اند. از آنجا که این ارزش‌ها نسبت به افراد جامعه کمیاب هستند، بنابراین همیشه کسانی وجود دارند که دست کم به طور نسبی محروم می‌مانند. دین برای محرومین و برای کسانی که ناکام مانده‌اند تسلی خاطر به بار می‌آورد و برای شرایط سختی که به دلیل محرومیت پدید آمده است، حمایت عاطفی ارائه می‌کند. این امر به سازگاری فرد و گروه‌های مخالف، با نظام ارزشی موجود منجر می‌گردد و از این طریق ارزش‌ها و اهداف تثبیت شده دوام می‌یابند. (ادی، ۱۹۶۱).

دین با آماده سازی انسان از طریق تعریف معنای غایی زندگی و با القای حس تعلق به آن در قبال اجتماع مذهبی، به نحو چشمگیری در تعریف افراد از خود ایفای نقش می‌نماید. دورکیم با تاکید بر طبیعت اجتماعی و نقش دین

عنوان بخشی از نظم ذاتی هستی، مومنان را در وفاداری و تعهد به این ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی یاری می‌بخشد. بدین ترتیب دین از طریق معنی‌بخشی و مشروع‌سازی هنجارهای اجتماعی، نظم موجود را تثبیت می‌کند و موجب رضایت از زندگی فرد می‌گردد. «دین در سراسر تاریخ یکی از موثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است» (هیلتون، ۱۳۸۱).

از نظر بینگر عضویت در گروه‌های دینی می‌تواند هویت ثابت و مشخصی را برای افراد پدید آورد که در مقایسه با سایر گروه‌های صنفی، کمتر ابزاری و آنی بوده و می‌تواند روابط مداوم، ثابت، غیر حسابگرانه و هنجارگونه را برای افراد به ارمغان آورد (رابرتسون، ۱۹۷۸).

باید در نظر داشت که از نظر بینگر اعتقاد به ارزش‌های مطلق که تبیین‌گر پرسش‌های بنیادی بشر باشند دین محسوب می‌شود. بنابراین حتی کسانی که در جامعه مدرن به ظاهر هیچ دینی ندارند نیز تابع برخی از ارزش‌های مطلق هستند و در زندگی آنها را بکار می‌گیرند. به طور مثال، حتی آنارشیست‌ها و هرج و مرج طلبان نیز برای رهایی از سلطه به برخی از هنجارها و قواعد هنجاری که آنها را از سلطه‌ی نظام‌های انضباطی موجود برهاند، ملتزم هستند. (هولاب، ۱۳۷۸).

در عین حال باید توجه داشت که دین فرد را به نظام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های آن پیوند می‌دهد و موجب رضایت از زندگی می‌گردد. هر چند به‌زعم برگر این ضرورت کارکردی دین است که با معنابخشی در سطح خرد موجب آرامش خاطر افراد و رضایت از زندگی و در سطح کلان سبب ایجاد نظم و ثبات در جامعه می‌گردد. اما باید توجه داشت که این امر می‌تواند راه را بر هر تغییر و دگرگونی اجتماعی ببندد.

به واقع این مفروض کارکردی برگر که دین، ضرورت کارکردی دارد و اینکه در همه مکان‌ها و زمان‌ها انسان نیاز ذاتی به معنا داشته است، می‌تواند عامل اصلی تلقی دین به عنوان یک نظام معنابخش هماهنگ قلمداد گردد که آن را به عنوان ابزاری برای استقرار و ثبات وضع موجود و عاملی برای حذف بی‌نظمی و رفع نیاز انسان به ثبات و آرامش ناشی از معنایابی واقعیت معرفی نماید.

در جامعه ابتدایی، اهمیت این کارکرد را نشان داده است. ویل هربرگ معتقد است که امروزه مبنای تعریف افراد از خود و هویت یابی آمریکایی‌ها نسبت به گذشته از قومیت به مذهب تغییر کرده است. (آدی، ۱۹۶۱).

دیگران نیز به همین نحو از دین به عنوان عاملی برای ایجاد همبستگی اجتماعی و کاهش آنومی یاد می‌کنند.

دورکیم معتقد بود که مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشد. شعائر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. مشارکت در انجام شعائر و مناسک مذهبی، چیزی بیشتر از حضور اعضاء را به افراد القا می‌نماید (جلالی مقدم، ۱۳۷۹).

به همین ترتیب بینگر معتقد است با تکیه بر کارکرد دین در پاسخدهی به مسائل بشری، شاهد رفع اضطراب و کاهش نگرانی‌های انسان به دلیل گم‌شدن در مسیر و در نتیجه بی‌عملی او هستیم. در واقع دین با ارائه کارکردهای سه‌گانه تعیین وضعیت کنونی فرد و اجتماع، هدف نهایی و مسیر شناخت، کارکرد آرامش‌بخشی و حذف اضطراب را در افراد ایفا می‌کند. یادآور می‌شود که «با تمرکز بر باور و اعتقاد دینی، فرد جای خالی بیشتر حالات زودگذر و ناگهانی مربوط به مسائل غایی را احساس نمی‌کند» (بینگر، ۱۹۹۶).

وی معتقد است که انسان‌ها تنها در اجتماع و با همیاری یکدیگر به نظم‌بخشی جهان پیرامون می‌پردازند و با معنی کردن عالم به طور مشترک و همگانی، تجربه‌های آتی را معنا می‌بخشند. (برگر، ۱۹۷۴).

به زعم پیتر برگر تقدس‌بخشی به روابط ذاتی میان اشیاء و تلقی آنها، به مثابه نظامی بیرون از فرد از جمله کارکردهای اساسی دین برای تداوم‌بخشی به نظم اجتماعی و ایجاد شرایط پایدار است. مقررات، ارزش‌ها، طرزتلقی‌ها، نقش‌ها و نهادهای برآمده از آن بسیار بی‌ثبات‌تر از آن هستند که بدون یک نظام مشروعیت‌ساز بتوانند دوام یابند. دین از طریق القای هنجارها و ارزش‌های موجود اجتماع به

کارکرد دین در زندگی افراد آرامش بخشی، امیددهی، تولید شادابی، ارائه معنای زندگی، رضایت باطن و زندگی اصیل است. (ملکیان، ۱۳۸۱). نقش اصلی دین در برآورد نیازهای آدمی، کاهش رنج و درد و معنی بخشی به این دردها و رنج‌های ناتمام است. چیزی که علم با وجود قابلیت‌های بسیار، از آن برخوردار نیست. علم شاید بتواند دردها و رنج‌های بشری را تقلیل دهد اما نمی‌تواند به رنج‌های موجود معنی بخشد (ملکیان، ۱۳۸۳). معنی بخشی به دردها و کاهش این رنج‌های بزرگ، آرامش را ایجاد می‌کند.

دین با چنین کارکردهایی (انسجام بخشی، معنا بخشی، قوام بخشی و...) در اجتماع بر درون روابط خانوادگی، با ابعاد مختلف زندگی زناشویی (انسجام و وابستگی درونی بین همسران، آرامش درون خانواده امنیت عاطفی و...) رابطه دارد.

### روش

این تحقیق، یک پژوهش پس رویدادی از نوع همبستگی می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق از طریق پرسشنامه کتبی جمع آوری گردید. پرسشنامه بر اساس شاخص‌های متغیرها ساخته شده و استاندارد گردید. پرسشنامه در برگیرنده بخش‌های مختلف مشخصات فردی و مقیاس‌های چند بعدی برای سنجش دینداری و رضایت از زندگی زناشویی می‌باشد. در هر بخش از پرسشنامه متناسب با ویژگی متغیر مورد نظر سوالات باز، بسته و یا به صورت طیف مطرح شد و به صورت حضوری و مراجعه به افراد توسط خود آنها تکمیل گردید. در این پژوهش پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداختیم. از آزمون‌های ضریب پیرسون، آزمون T، تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیونی دو و چند متغیره نیز جهت آزمون فرضیات و سنجش روابط بین متغیرها استفاده گردید.

جمعیت آماری این تحقیق متشکل از گروهی از نظامیان است. جهت انتخاب حجم نمونه با توجه به محدودیت‌های زمانی و امکانات تحقیق، دقت احتمالی یا درجه اطمینان را برابر ۰/۰۵ و احتمال خطا یا صحت

بر اساس این کارکرد (کارکرد انسجام بخشی) دین با ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، رفتارهای مشترک را ایجاد می‌کند، که این رفتارهای مشترک در بین اعضای خانواده که از طریق کارکرد انسجام بخشی دین تبیین می‌گردد، موجب وابستگی و انسجام درونی خانواده می‌گردد. کارکرد دین تحکیم گروه است (دورکیم، ۱۳۸۴).

دورکیم، بینگر، برگر و ادی، دین را به عنوان عامل قوام بخش و مانعی برای بروز اختلافات یاد کرده‌اند.

به زعم دورکیم مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشد. شعایر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. مشارکت در انجام شعایر و مناسک مذهبی، چیزی بیشتر از حضور اعضا را به افراد القا می‌نماید (جلالی مقدم، ۱۳۷۹).

ویلهم، استدلال می‌کند که دورکیم با یکی دانستن دین و جامعه و تأکید بر توانایی تبیین گری و نیز نقش تحکیم‌کننده آن در ایجاد قید و بند اجتماعی، بدون شک بر یک نقش و عملکرد مهم دینی تأکید می‌ورزد. دورکیم با تأکید بر نقش دین در انسجام بخشی و رشد همبستگی و اتحاد در جامعه، از آن به عنوان یک عامل نظم اجتماعی یاد می‌کند (ویلهم، ۱۳۷۷).

کارکرد دیگر دین، کارکرد معنا بخشی است که بعد آرامش درونی خانواده را پوشش می‌دهند. دین از طریق شناساندن مبدا، مقصد و مسیر حرکت و به طور کلی با شناساندن هدف زندگی به انسان مسیر حرکت و الگوهای رفتاری خاصی می‌دهد. که به زندگی انسان این گونه معنی می‌بخشد. کارکرد معنی بخشی دین آرامش را درون خانواده ایجاد می‌کند.

در دستگاه فکری دورکیم، بینگر، برگر و حتی مارکس دین عاملی برای آرامش بخشیدن به انسان تعبیر می‌شود. لذا هر دینی با امید بخشی به مؤمنان ندای زندگی بهتر را در جهان پس از مرگ نوید می‌دهد و آرامش را درون زندگی ایجاد می‌نماید (بشیریه، ۱۳۷۸).

انریج کسب می کند. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعددی برای رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. انریج برای متغیر رضایت زناشویی دوازده بُعد در نظر گرفته است. هر یک از ابعاد این متغیر در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم رضایت از زندگی زناشویی است. ارزیابی این ابعاد در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوجها را توصیف کند یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. پرسشنامه رضایت زناشویی انریج از ۱۱۵ سوال بسته و ۱۲ مقیاس تشکیل شده است که به جز مقیاس اول آن که ۵ سوال دارد، بقیه مقیاسها شامل ۱۰ سوال است. پاسخ به سوالات به صورت ۵ گزینه ای لیکرتی (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است. دوازده بعد این متغیر به همراه تعداد گویه های آن و شماره گویه‌ها داخل پرسشنامه که انریج آن را تبدیل به مقیاس کرده عبارتند از:

برآورد را ۰/۵ در نظر گرفتیم. بنابراین تعداد ۳۶۷ نفر به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد که به دلیل وجود احتمال ریزش پرسشنامه‌ها به ۳۷۰ نفر افزایش یافت. در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری «طبقه ای متناسب» استفاده شد. «نمونه‌گیری طبقه ای وقتی به کار می رود که جامعه آماری دارای ساخت همگن و متجانس نبوده و از اجزاء گوناگون تشکیل شده باشد. در چنین مواردی باید جامعه به طبقاتی تقسیم شود که هر یک از آنها دارای ساخت متجانسی باشند و سپس از هر طبقه (به صورت یک جمعیت آماری خاص) یک نمونه گرفته شد. در نمونه‌گیری طبقه ای متناسب، تعداد نمونه در هر طبقه به اندازه‌ی نسبت آن طبقه در کل جامعه ی آماری است» (رفیع پور، ۱۳۷۸). بدین ترتیب بسته به رده‌های نظامیان، نمونه مقتضی استخراج گردید و پرسشنامه‌ها به طور اتفاقی در میان این طبقات توزیع شدند.

**تعریف عملیاتی متغیرهای رضایت زناشویی:** منظور از رضایت زناشویی، میزان نمره ای است که فرد از آزمون

جدول ۱- توزیع گویه‌های رضایت از زندگی زناشویی

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	شماره گویه‌ها
رضایت از زندگی زناشویی	پاسخ قراردادی	۵	۱-۵
	رضایت زناشویی	۱۰	۶-۱۵
	موضوعات شخصیتی	۱۰	۱۶-۲۵
	ارتباط زناشویی	۱۰	۲۶-۳۵
	حل تعارض	۱۰	۳۶-۴۵
	نظارت مالی	۱۰	۴۶-۵۵
	فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت	۱۰	۵۶-۶۵
	روابط جنسی	۱۰	۶۶-۷۵
	ازدواج و بچه‌ها	۱۰	۷۶-۸۵
	بستگان و دوستان	۱۰	۸۶-۹۵
	نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد	۱۰	۹۶-۱۰۵
	جهت‌گیری عقیدتی	۱۰	۱۰۶-۱۱۵
	جمع	۱۱۵	۱-۱۱۵

متناسب با دین اسلام و شرایط ایران صورت گرفته است. جدول زیر تعداد گویه های طراحی شده برای هر یک از ابعاد دینداری و تعداد کل گویه های مربوط به آن را در پرسشنامه اولیه نشان می دهد.

**دینداری:** در این تحقیق از مقیاس گلاک و استارک استفاده شده است. این مقیاس مکرراً در خارج و داخل کشور آزمون گردیده و برای سنجش دینداری از محتوای مناسبی نیز برخوردار است. این مقیاس در ۲۶ گویه و چهار بُعد ارائه شده است. شایان ذکر است که در سال های اخیر تلاش هایی برای ارائه مدل های سنجش دینداری بومی و

جدول ۲- توزیع گویه های دینداری

متغیر	ابعاد	تعداد گویه
دینداری	اعتقادی	۷
	عاطفی	۶
	پیامدی	۶
	مناسکی	۷
جمع		۲۶

آزمون مقدماتی<sup>۱</sup>: اعتبار<sup>۲</sup> و پایایی<sup>۳</sup>

جدول ۳- اعتبار و پایایی مقیاس رضایت از زندگی زناشویی

پایایی مقیاس رضایت از زندگی زناشویی				
کای بارتلت (KMO)	آلفای کرونباخ	گویه های محذوف	گویه ها	بعد
۰/۹۱	$\alpha=0/76$	۳ و ۴	۱-۵	پاسخ قراردادی
۰/۸۵	$\alpha=0/86$	۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۸	۶-۱۵	رضایت زناشویی
۰/۶۸	$\alpha=0/89$	۱۹ و ۲۴ و ۱۷ و ۱۶	۱۶-۲۵	موضوعات شخصیتی
۰/۷۸	$\alpha=0/74$	۳۵ و ۳۳ و ۳۲ و ۲۷ و ۲۶	۲۶-۳۵	ارتباط زناشویی
۰/۸۱	$\alpha=0/72$	۴۴ و ۴۳ و ۳۹ و ۳۸ و ۳۷	۳۶-۴۵	حل تعارض
۰/۹۱	$\alpha=0/84$	۵۵ و ۵۱ و ۴۹ و ۴۷ و ۴۶	۴۶-۵۵	نظارت مالی
۰/۷۷	$\alpha=0/87$	۶۴ و ۶۰ و ۵۹ و ۵۸ و ۵۷	۵۶-۶۵	فعالیت های مربوط به اوقات فراغت
۰/۶۹	$\alpha=0/79$	۷۲ و ۷۱ و ۷۰ و ۶۹ و ۶۶	۶۶-۷۵	روابط جنسی
۰/۸۳	$\alpha=0/78$	۸۴ و ۸۳ و ۸۲ و ۸۱ و ۸۰ و ۷۹	۷۶-۸۵	ازدواج و بچه ها
۰/۹۲	$\alpha=0/85$	۹۵ و ۹۴ و ۹۳ و ۹۲ و ۸۸ و ۸۷ و ۸۶	۸۶-۹۵	بستگان و دوستان
۰/۸۵	$\alpha=0/89$	۱۰۴	۹۶-۱۰۵	نقش های مربوط به برابری زن و مرد
۰/۸۱	$\alpha=0/74$	۱۱۴ و ۱۱۳ و ۱۱۱ و ۱۰۹ و ۱۰۸ و ۱۰۶	۱۰۶-۱۱۵	جهت گیری عقیدتی
	$\alpha=0/93$		۱-۱۱۵	کل مقیاس

اعتبار و پایایی مقیاس دینداری:

جدول ۴- اعتبار و پایایی مقیاس دینداری

پایایی مقیاس دینداری				
کای بارتلت (KMO)	آلفای کرونباخ	گویه‌های محذوف	گویه‌ها	بعد
۰/۹۱	$\alpha=0/92$	-	۱-۷	اعتقادی
۰/۸۵	$\alpha=0/86$	-	۸-۱۳	عاطفی
۰/۶۶	$\alpha=0/63$	دو گویه	۱۴-۱۹	پیامدی
۰/۸۷	$\alpha=0/89$	-	۲۰-۲۶	مناسکی
۰/۹۳	$\alpha=0/95$	-	۱-۲۶	کل مقیاس

یافته‌ها :

جدول ۵- توزیع ابعاد رضایت از زندگی زناشویی

وضعیت بستگان و دوستان	وضعیت روابط جنسی	وضعیت فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت	وضعیت جهت‌گیری عقیدتی	وضعیت رضایت زناشویی	وضعیت حل تعارض	وضعیت ارتباط زناشویی پاسخگویان	وضعیت ازدواج و بچه‌ها	وضعیت موضوعات شخصیتی	قرار دادی پاسخ	
۰	۱۴/۹	۰	۰/۵	۰/۸	۴/۳	۰	۰	۰	۰	خیلی کم
۰	۲۱/۹	۱۲/۷	۱۹/۵	۴/۹	۲۴/۹	۱/۶	۲۱/۱	۲/۴	۰	کم
۱۸/۴	۳۰	۱۶/۲	۱۴/۶	۲۷/۶	۱۵/۷	۲۵/۴	۱۸/۹	۱۵/۷	۳۰	متوسط
۷۱/۴	۳۰/۳	۳۲/۲	۳۷/۸	۵۷/۸	۲۴/۹	۶۱/۶	۴۲/۷	۵۰	۵۲/۷	زیاد
۱۰/۳	۳	۳۸/۹	۲۷/۶	۸/۹	۳۰/۳	۱۱/۴	۱۷/۳	۳۱/۹	۱۷/۳	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
۳/۹۱	۲/۸۴	۳/۹۷	۴	۳/۶۹	۳/۸۴	۳/۸۲	۳/۵۶	۴/۱۱	۳/۸۷	میانگین
۰/۵۳	۱/۱۰	۱/۰۳	۱/۴۴	۰/۷۳	۱/۶۵	۰/۸۳	۱	۶۷	۰/۶۷	انحراف معیار

توزیع ابعاد و اشکال دینداری

جدول ۶- وضعیت ابعاد دینداری

دینداری مناسکی	دینداری اعتقادی	دینداری پیامدی	دینداری عاطفی	
۰	۰	۰/۶	۰/۲۷	خیلی کم
۸/۹	۰/۲۷	۲/۷	۱/۴	کم
۱۷/۵	۷/۵	۶/۷	۸/۹	متوسط
۴۱/۵	۴۹/۹	۴۰/۵	۴۷/۸	زیاد
۳۲/۱	۴۳/۳	۴۲/۵	۴۱/۶	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
۳/۳۴	۳/۸۸	۳/۷	۳/۹	میانگین
۳/۷۹	۴/۲۵	۴/۵	۴/۴۴	انحراف معیار

هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی زناشویی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار، دارد.

پس از آن که به توصیف و تشریح هر یک از ابعاد متغیرهای تحقیق پرداختیم، نوبت به آن می‌رسد تا به آزمون فرضیات اصلی تحقیق بپردازیم. بدین منظور دو فرضیه اصلی تحقیق مطرح شده، در اینجا از طریق آزمون‌های آماری (رگرسیون دو متغیره و پیرسون) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

جدول ۷- رابطه دینداری و رضایت از زندگی زناشویی

شاخص‌ها / متغیرها	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب بتا ( $\beta$ )	(Constant) B	سطح معنی داری
دینداری و رضایت از زندگی زناشویی	۰/۶۱۴	۰/۵۰	۰/۶۱۴	۱۲۳/۹۱۳ ۰/۱۹۴	** P<۰/۰۱

پيامدی و مناسکی) بر رضایت از زندگی زناشویی مبادرت نمودیم. بدین ترتیب نشان دادیم که بر خورداری از هر یک از صور دینداری تا چه حد در رضایت از زندگی زناشویی فرد نقش دارد.

برای آگاهی از این نکته که هر یک از ابعاد دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی چقدر اثرگذار است به رابطه دو متغیره هر یک از این ابعاد بر متغیر وابسته مبادرت نمودیم.

از جدول زیر می‌توان دریافت که میان متغیر رضایت از زندگی زناشویی و ابعاد مختلف دینداری همبستگی معنی‌داری برقرار است. شدت همبستگی میان متغیر رضایت از زندگی زناشویی و ابعاد دینداری حاکی از این است که میان این متغیرها همبستگی قوی (عاطفی و پیامدی و اعتقادی) تا متوسطی (مناسکی) برقرار است. همچنین این رابطه در تمام موارد مثبت بوده و بیانگر اثر مثبت میان متغیرهاست. بدین معنی که هر چه بر نسبت ابعاد یا اشکال مختلف دینداری در فرد افزوده شود به همان نسبت بر میزان رضایت از زندگی زناشویی افزوده می‌شود.

شواهد نشان می‌دهند ضریب همبستگی دینداری و رضایت از زندگی زناشویی برابر است با (۰/۶۱۴). نسبتی از واریانس متغیر رضایت از زندگی زناشویی که از طریق دینداری تبیین شده است در حدود (۰/۵) است. نسبت F دلالت بر آن دارد که رابطه میان دینداری و رضایت از زندگی به لحاظ آماری معنی‌دار است ( $P<۰/۰۱$ ).

اگر تاثیر متغیر دینداری کنترل شود، پایه رضایت از زندگی برابر است با (۱۲۳/۹۱۳). حال اگر متغیر دینداری را وارد معادله نماییم به ازای هر واحد تغییر در متغیر دینداری در حدود (۰/۱۹۴) تغییر مثبت در رضایت از زندگی زناشویی قابل پیش‌بینی است. ضریب بتا نشان می‌دهد که تاثیر خالص دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی برابر با (۰/۶۱۴) است.

نتایج فوق دلالت بر این امر دارند که فرضیه مورد نظر ما تایید شده است و آن گونه که از تئوری‌های کارکردی قابل استنتاج است، می‌توان عنوان نمود که حضور هر چه بیشتر دین در زندگی فرد موجب افزایش رضایت از زندگی زناشویی خواهد گردید.

رابطه ابعاد مختلف دینداری و رضایت از زندگی زناشویی متفاوت است. برای بررسی میزان اثرگذاری ابعاد و اشکال مختلف دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی ابتدا ابعاد برآمده از تحلیل عاملی را به مثابه متغیری مستقل فرض کردیم. پس از آن به بررسی رابطه هر یک از اشکال دینداری (اعتقادی، عاطفی،



جدول ۸- رابطه میان ابعاد دینداری با رضایت از زندگی

رضایت از زندگی		ابعاد دینداری
سطح معنی داری	شدت همبستگی	
** P<۰/۰۱	۰/۷۱۷	اعتقادی
** P<۰/۰۱	۰/۴۴۹	مناسکی
** P<۰/۰۱	۰/۶۹۲	عاطفی
** P<۰/۰۱	۰/۶۲۷	پیامدی

رگرسیون چند متغیره تصنعی برای بررسی اثر متغیر اصلی مستقل (دینداری) با کنترل سایر متغیرهایی که با رضایت از زندگی زناشویی رابطه داشتند مبادرت نمودیم.

ارزیابی رابطه چند متغیره میان رضایت از زندگی زناشویی و سایر متغیرهای مرتبط: پس از آن که به بررسی رابطه هر یک از متغیرها با متغیر رضایت از زندگی زناشویی پرداختیم به تحلیل

جدول ۹- رابطه رضایت از زندگی زناشویی و سایر متغیرهای مرتبط

متغیرها	شاخص‌ها	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	(Constant) B	ضریب بتا ( $\beta$ )	ضریب تفکیکی (Partial)	سطح معنی داری
رضایت از زندگی زناشویی		۰/۶۷۷	۰/۵۲۷	۱۲۶/۳۶۰			** P<۰/۰۱
دینداری		-	-	۰/۱۹۶	۰/۴۱۶	۰/۵۹۸	** P<۰/۰۱
جنسیت		-	-	۱/۵۶۵	۰/۰۵۲	۰/۰۴۹	۰/۳۵
سن		-	-	۴/۱۷۸	۰/۱۲۲	۰/۱۲۵	۰/۰۱۷
درآمد		-	-	۴/۷۱۷	۰/۱۲۴	۰/۱۳۱	۰/۰۱۳

بر رضایت از زندگی زناشویی برابر با (۰/۳۱۶) است. ضریب همبستگی تفکیکی بیانگر وجود رابطه‌ای با شدت (۰/۴۹۸) میان دینداری و رضایت از زندگی زناشویی بدون احتساب اثر متغیرهای کنترل جنسیت، سن و میزان درآمد است.

ضریب بتا در آزمون متغیر رضایت از زندگی زناشویی و جنسیت برابر است با (۰/۰۵۲). نسبت F نشان می‌دهد که F مشاهده شده از F جدول کوچک تر است. در این جا فرضیه صفر بر خلاف تحلیل تک متغیره این متغیر با رضایت از زندگی تایید می‌شود. لذا تفاوت میان میانگین‌ها با توجه به اثر سایر متغیرها بر رابطه این متغیر با رضایت از زندگی معنادار نبوده و رضایت از زندگی زناشویی افراد بر حسب جنسیت آنها تفاوت نمی‌پذیرد.

شواهد نشان می‌دهند ضریب همبستگی رضایت از زندگی با ترکیب خطی متغیرهای دینداری، جنسیت، سن و میزان درآمد برابر است با (۰/۶۷۷). نسبتی از واریانس متغیر رضایت از زندگی که از طریق مذکور تبیین شده است در حدود (۰/۵۲۷) است. نسبت F دلالت بر آن دارد که رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی این متغیرها به لحاظ آماری معنی دار است.

اگر تاثیر متغیر فوق کنترل شود، پایه رضایت از زندگی برابر است با (۱۲۶/۳۶۰). حال اگر متغیر دینداری را وارد معادله نماییم به ازای هر واحد تغییر در متغیر دینداری در حدود (۰/۱۹۶) واحد تغییر مثبت در رضایت از زندگی زناشویی قابل پیش‌بینی است. ضریب بتا نشان می‌دهد که تاثیر خالص دینداری

خانواده افزوده می‌شود. این امر از آن روی صورت می‌گیرد که دین در دستگاه فکری مورد نظر بحث حاضر از کارکردهای خاصی برخوردار بوده است که مانعی بر سر راه بحران بی‌معنایی و بی‌هنجاری بشر تلقی می‌گردد. بر این اساس دین با ارائه تبیین‌های معنوی در پاسخ به مسائل غایی بشر، نظامی عقیدتی را بنیان می‌نهد که به واسطه آن مؤمنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. عقیده به نظام معنایی و فکری واحد، مؤمنان را به کلیتی یکپارچه بدل می‌سازد که در مواجهه با جهان پیرامون، دارای اندیشه‌ای واحد و مسیرهای کنشی مشخصی هستند. از این روی این افراد به یکدیگر پیوند یافته و با التزام به اصول و ارزش‌های خاص خود را متعلق به کلیتی واحد تلقی می‌نمایند.

از سویی دیگر دین با پیوند میان هنجارهای اجتماعی و قدرت فراتجربی، به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مشروعیت بخشیده و در گروه و بالادست خانواده نظم و انسجام هر چه بیشتری برقرار می‌سازد. دین با ارائه و تایید نوعی از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، عاملی برای گسترش نظم اجتماعی و کاهش بی‌هنجاری است. از این روی با تکیه بر این کارکردها دین می‌تواند در گسترش پیوند میان فرد با اجتماع، هنجارها، ارزش‌ها و هر آنچه که متعلق به آن است، مؤثر افتد. بدین ترتیب هر چه میزان دینداری فرد بیشتر باشد رضایت از زندگی او افزوده خواهد شد.

در فرضیه دوم؛ رابطه ابعاد مختلف دینداری و رضایت از زندگی مد نظر قرار گرفت. در بررسی میزان اثر ابعاد و اشکال مختلف دینداری بر رضایت از زندگی دریافتیم که میان هر یک از این ابعاد و رضایت از زندگی رابطه مشخصی برقرار است. در اینجا نتایج نشان می‌دهند که با وجود آنکه هر چهار رابطه مورد نظر معنی‌دار و مستقیم و مثبت هستند اما میان ابعاد یا اشکال مختلف دینداری و رضایت از زندگی از جهت ضریب شدت رابطه تفاوت وجود دارد. نتایج بیانگر این نکته هستند که سه بعد اعتقادی و پیامدی و احساسی رابطه قوی‌تری با رضایت از زندگی فرد داشته‌اند. این امر می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد. به طور مثال همانطور که جداول توصیفی نشان می‌دهند افراد مورد تحقیق در سه بعد اعتقادی و احساسی و پیامدی

ضریب بتا در واکاوی رابطه رضایت از زندگی زناشویی و سن برابر است با (۰/۱۲۲). نسبت  $F$  نشان می‌دهد که  $F$  مشاهده شده از  $F$  جدول بزرگتر است بنابراین در این جا فرضیه صفر رد می‌شود. لذا تفاوت میان میانگین‌ها معنی‌دار بوده و رضایت از زندگی زناشویی افراد بر حسب سن آنها تفاوت می‌پذیرد.

ضریب بتا در خصوص رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و میزان درآمد در افراد برابر با (۰/۱۲۴) است. نسبت  $F$  نیز بیانگر آن است که  $F$  مشاهده شده از  $F$  جدول بزرگتر است بنابراین در این جا فرضیه صفر رد می‌شود. لذا تفاوت میان میانگین‌ها با توجه به اثر سایر متغیرها بر رابطه این متغیر با رضایت از زندگی زناشویی معنی‌دار بوده و رضایت از زندگی افراد بر حسب میزان درآمد آنها تفاوت می‌پذیرد.

همچنان که مشاهده می‌شود متغیرهای کنترل جنسیت، سن و میزان درآمد، اثر چندانی در شدت رابطه میان دینداری و رضایت از زندگی نداشته‌اند. اما آنچه که در این تحلیل رابطه چند متغیره حاصل شد اثبات عدم وجود رابطه میان متغیر جنسیت و رضایت از زندگی زناشویی است. با توجه به تحلیل تک متغیره به نظر می‌رسد که میان جنسیت و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنی‌داری برقرار است در حالی که این رابطه چندان مؤثر نبوده و تحت تاثیر متغیرهای دینداری، سن و میزان درآمد حاصل شده بود. لذا با کنترل اثر این متغیرها، نتیجه این رابطه تغییر نموده است.

### نتیجه‌گیری

فرضیه نخست در پی بررسی رابطه میان دو متغیر میزان دینداری افراد و رضایت از زندگی آنان بوده است. این فرضیه به صورت زیر مطرح شده بود: «هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد».

نتایج این فرضیه با توجه به نظریه‌ها و ادله مطرح شده در باب نسبت میان دین و رضایت از زندگی چندان دور از انتظار نبود. با توجه به نظریه‌های مطرح شده برای تبیین نسبت میان این دو مفهوم، هر چه میزان دینداری فرد افزایش یابد بر شدت انسجام گروهی، گسترش نظم و وفای

نسبت به سایر ابعاد از دینداری قوی‌تری برخوردارند و از آن‌جا که رضایت از زندگی نظامیان در سطح بالایی قرار دارد این رابطه‌ها، شدت بیشتری به خود می‌گیرند. در اینجا حائز اهمیت آن است که نظامیان در بخش مناسبی از دیگر ابعاد دینداری ضعیف‌تر عمل کرده و نمره‌ای پایین‌تر از دیگر ابعاد دریافت کرده‌اند. در آزمون‌های اکتشافی نیز نتایج نشان می‌دهند که مردان بیشتر از زنان، از رضایت از زندگی برخوردارند. دلایل این نتایج می‌توانند خود موضوعات تحقیقاتی مجزا باشند و به طور مستقل مورد مطالعه قرار گیرند.

Archive of SID

quality. *Journal of Family Psychology*, 25(5), 775-780.

19- Meltzer, A., McNulty, J., Novak, S., Butler, E., & Karney, B. (2011). Marriages are more satisfying when wives are thinner than their husbands. *Social Psychological and Personality Science*, 2, 416-424.

20- O'Dea, Thomas F (1966) The Adequacy of Contemporary Religious Forms: An Area of Needed Research, *Review of Religious Research*, Vol. 7, No. 2, pp. 85-93

21- O'Dea, Thomas F; Yinger J. Milton (1961) Five Dilemmas in the Institutionalization of Religion, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 1, No. 1, pp. 30-41.

22- O'Dea, Thomas F (1966) 5- The Adequacy of Contemporary Religious Forms: An Area of Needed Research, *Review of Religious Research*, Vol. 7, No. 2, pp. 85-83

23- Robertson, Roland (1978) The Problem of the Two Kingdoms: Religion, Individual, and Society in the Work of J. Milton Yinger, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 17, No. 3, pp. 306-313.

24- Yinger, J. Milton, (1996) A structural examination of religion, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 8, pp. 88-99.

## منابع

- ۱- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- ۲- پورحسین، رضا (۱۳۸۵)، تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر پیوندهای عاطفی در خانواده‌ها، انتشارات طرح نو، تهران.
- ۳- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- ۴- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- ۵- دورکیم، امیل (۱۳۸۴)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۶- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، کند و کاوها و پنداشته‌ها، انتشارات شرکت شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۷- گوروویچ، ژرژ (۱۳۵۷)، مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: جامعه و اقتصاد.
- ۸- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، راهی به رهایی: جستاری در عقلانیت و معنویت، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- ۹- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۳)، هویت و اصالت، تهران: جهاد دانشگاهی پژوهشکده علوم انسانی.
- ۱۰- ویلهلم، ژان پل (۱۳۷۷)، جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: مؤسسه تبیان.
- ۱۱- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱)، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ دوم.
- ۱۲- هولاب، رابرت (۱۳۷۸)، یورگن هابرماس، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- 13- Berger, Peter L (1974) Some Second Thoughts on Substantive versus Functional Definitions of Religion, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 13, No. 2, p. 129.
- 14- Dethier, M., Counerotte, C., & Blairy, S. (2011). Marital satisfaction in couples with an alcoholic husband. *Journal of Family Violence*, 26(2), 151-162.
- 15- Medina, A., Lederhos, C., & Lillis, T. (2009). Sleep disruption and decline in marital satisfaction across the transition to parenthood. *Families, Systems, & Health*, 27(2), 153-160.
- 16- Glorieux, I., Minnen, J., & Tienoven, T. P. (2011). Spouse "together time": Quality time within the household. *Social Indicators Research*, 101(2), 281-287.
- 17- Helms, H., Walls, J., Crouter, A., & Susan, M. (2010). Provider role attitudes, marital satisfaction, role overload, and housework: A dyadic approach. *Journal of Family Psychology*, 24(5), 568-577.
- 18- Hernandez, K., Mahoney, A., & Pargament, K. (2011). Sanctification of sexuality: Implications for newlyweds' marital and sexual